

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۸ دسمبر ۲۰۱۹

توطئه "ارگ" یا جدال درونی "زمینخواران"؟؟

۱

سه شنبه- ۲۶ قوس ۱۳۹۸ - کابل: در یادداشت امروز باز هم مکتب کوتاهی خواهیم داشت به بررسی دلایل حمله بر خانه "قیصاری" و کشتن ۹ تن از افرادش با فیر راکت و پرتاب بمب توسط هلیکوپتر.

۱- جنایتی که فعلاً با حمله بر حریم خصوصی افراد از زمین و هوا و تمام ساکنان آن را در عمل "مهدور الدم" دانستن صورت گرفت، در اصل ریشه در ترکیب نفوسی شهر مزار شریف دارد. تا جایی که دوستان مزار شریف می نگارند، ساکنان شهر مزار به خصوص بعد از سقوط حاکمیت نوکران روس، به صورت عمده مرکب از سه قوم می باشد: قوم تاجیک، قوم ازبیک و قوم هزاره.

این اقوام با آن که قبل از کودتای ثور و در درازنای تاریخ در شهر مزار در کنار هم می زیستند، مگر هیچ گاهی چیزی به نام برخورد های قومی آنها در سطح زورگوئی که به درگیری های مسلحانه بینجامد بین شان رخ نداده بود. با آغاز حاکمیت نوکران روس، از آن جایی که آن حزب مزدور، خود فروخته و منفور، سخت در اقلیت قرار داشتند و هیچ گونه پایگاه روشنفکری و مردمی در منطقه نداشتند، جهت دوام حاکمیت شان به مانند تمام دشمنان مردم، تلاش ورزیدند تا از طریق ایجاد نفاق و تفرقه بین مجموع اقوام و همه را مقابل دیگری تحریک نمودن، امکان بقای خود را فراهم نمایند.

با ختم حاکمیت نوکران روس، از آنجایی که به جای آن، یک حاکمیت ملی و انقلابی جایگزین نشد و نوکران روس قسماً با تغییر لباس با همان وابستگی ها به روسیه و دیگران در وابستگی با دو کشور همسایه یعنی پاکستان و ایران، گاهی در تنبانی با یک دیگر و زمانی هم در تقابل با یک دیگر بر مجموع و لایت من جمله شهر مزار مسلط گردیدند، این سلطه در حدی زیادی بر مناسبات مالکیت ارضی حتماً خانه و جایاد غیر منقول در شهر مزار اثر گذاشته به ده ها و صد ها و حتا به گفته یکی از دوستان مقیم مزار که گاهگاهی فرصت دیدار با وی مساعد می گردد به هزاران خانه و جایاد از طرف زورمندان این و یا آن قوم غصب شده است.

یعنی وقتی "دوستم" بر شهر مزار حکم رانده، زمینخواران ازبیک- در اینجا بحث توده های ازبیک، تاجیک و یا هزاره در میان نیست- شهر را مال خود دانسته خانه و کاشانه مردم دیگر را از خود اعلام داشته غصب نموده و زمانی که "عطا" بر سریر قدرت تکیه زده است، زمینخواران تاجیک مال همه را مال خود دانسته و به همین سان حین اشتراک

"محقق" در قدرت، زمینخواران هزاره با غضب زمین های دیگران و ایجاد شهرک ها منطقه نفوذ خود را گسترش داده اند.

این مناسبات که در تمام دوران حاکمیت "عطا" بر ولایت بلخ به نفع زمینخواران تاجیک می چرخید به مرور زمان ضمن نزدیکی ها بین "دوستم" و "محقق" با وی، به موازات نزدیکی این سه تن، زمینخواران اقوام تاجیک، ازبیک و هزاره نیز چون زیاد مطمئن نبودند که کسی از آنها دفاع نماید، تجاوزات علنی بر حدود یک دیگر را متوقف ساخته با غضب اراضی مردم بی پناه- به خصوص اگر از قوم پشتون می بود- و اراضی دولتی و به اصطلاح وطنی "لامالک" ادامه دادند.

آنهايي که حافظه تاریخی نسبتاً قوی دارند به خاطر می می آورند که نخستین پیامد عزل "عطا" از مقام ولایت بلخ، درگیری بین چند تن از زمینخواران ساکن ولایت بلخ از تاشقرغان گرفته تا دروازه شادیان و ولسوالی بلخ با ایادی "عطا" به خصوص یکی از زمینخواران مشهور وی "فرهاد عظیمی" آغاز یافت. امری که با دخالت جابرانه دست نشانندگان "عطا" والی و قومندان امنیه ولایت، در پناه مبارزات انتخاباتی نخست پارلمان و بعد تر ریاست جمهوری خبرش به عقب رانده شد.

در چنین جو و فضائیتیست که "قیصاری" به اصطلاح "زیر دار گریخته"، با کش و فش غیر قابل تصور و با آرگاه و بارگاه و خرج دسترخوان پول "کد ۹۱" وارد مزار می گردد، در اسرع وقت قصری به وی داده می شود و در واقع خودش برای خودش پایه و اساس یک سلطنت مستقل را پی ریزی می نماید.

"قیصاری" در پناه حمایت دولت مرکزی و با تکیه بر وعده های آنها، تلاش می ورزد تا به موازات حاکمیت دولتی که توسط دست نشانندگان "عطا" اداره می گردند، برای خود اداراتی به وجود آورده در گام نخست، با تعیین دروازه های حق العبور در چهار طرف شهر و به تعقیب آن شنیدن عرایض دوستان و اقاربش، رسماً و عملاً حاکمیت دولت دست نشانده را از موضع یک جنگسالار محلی زیر سؤال ببرد. یکی از این موارد دعوی حقوقی یک ازبیک با زمینخوار بزرگ مربوط "عطا"، "فرهاد عظیمی" است. مسأله ای که کشمکش بالای آن بهانه حمله قوای نظامی دولت دست نشانده بر یکی از سگان دست آموز خودش گردید.

ادامه دارد